

نارضایتی مردم از اصلاح طلبان ریشه در ناکارآمدی دولت خاتمی دارد

روزنامه کیهان مدعی شد: مردم با عبور از نامزدهای اصلاح طلبان در انتخابات سال ۱۳۸۴ (معین، کروبی، مهرعلیزاده و هاشمی) و سال ۱۳۸۸ (موسوی و کروبی)، نشان دادند که از رویکرد و عملکرد این طیف هیچ رضایتی ندارند.

به گزارش سایت خبری پرسون، روزنامه کیهان در واکنش به گزارش اخیر روزنامه شرق درباره مشکل دولت پزشکیان نوشت:

روزنامه شرق با اذعان به اینکه دولت پزشکیان از فقدان نظریه رنج می‌برد، ادعا کرد دولت دیگر اصلاح طلبان یعنی دولت خاتمی، دولت کارآمدی بود(!)

این روزنامه در یادداشتی با عنوان «مشکل دولت پزشکیان کجاست؟»، می‌نویسد: «نگاه ابزارگرایانه، وقتی تئوری وجود ندارد، از حل مشکلات عاجز می‌ماند. برای اداره یک کشور همچنین است، یعنی اگر برای اداره کشور، تئوری وجود نداشته باشد، نمی‌توان به سرانجام مطلوب رسید. همه آمارها و مستندات نشان می‌دهد که در اداره کشور، در این ۴۶ سال، دولت اصلاحات با فاصله‌ای مشخص، از مابقی دولت‌ها بهتر عمل کرده و با دقت برای یافتن دلیل این موفقیت، می‌توان دید که آن دولت بر یک تئوری بنا شده بود، «تئوری اصلاحات» و تیم تئوریک کاملاً شناخته‌شده و معلومی به ارشدیت «سعید حجاریان» داشت و البته خود جناب محمد خاتمی به‌عنوان رئیس‌جمهور، صاحب نظریه برای تشکیل دولت بود، اما غیر از آن، تیمی قدرتمند را هم برای ساخت آن تئوری و نقشه راه، با خود همراه کرده بود. اتفاقی که در هیچ‌یک از دولت‌های پس از اصلاحات شاهد آن نبودیم و نیستیم.

خبرهای مرتبط

حمله تند شریعتمداری به رافائل گروسی/ شواهدی داریم که از وابستگی گروسی به موساد حکایت می‌کند/ ثابت کند عضو موساد نیست!

پشت پرده حملات تندروها و پاجوش‌ها به قالیباف/ سعید جلیلی می‌خواهد به شورای عالی امنیت ملی برگردد؟

تعیین تکلیف کیهان برای پزشکیان/ حامیان دولت مقصر گرانی‌ها هستند/ ابراهیم رئیسی با انواع سنگ‌اندازی‌ها همکاری با همسایگان را دنبال می‌کرد

دولت آقای خاتمی با تکیه بر تئوری اصلاحات، ابزار خود یا همان «توسعه سیاسی» را انتخاب کرد و توسعه سیاسی به‌عنوان موتور محرکه آن دولت با وجود «هر ۹ روز یک بحران‌سازی داخلی» و مصنوعی، نه‌تنها تا روز آخر با موفقیت توانست کار کند، بلکه بالاترین رشد اقتصادی مستمر، حل کردن ناترازی‌ها، پایین آوردن تورم، ایجاد پنج میلیون شغل جدید، اعتبار بین‌المللی و... در کارنامه خود ثبت کرد. درحالی‌که دولت سیزدهم و حالا چهاردهم، با وجود همه حمایت‌های داخلی که دولت اصلاحات فاقد آن بود، زمین‌گیر شدند، دولت «توهم هزاره سوم» که فقط با تکیه بر ثروت افسانه‌ای فروش نفت و پول‌پاشی به حیات خود ادامه داد و دولت اعتدال با ورزش اولین باد مخالف، کلا چهار سال به پستو رفت. حالا هم اینکه می‌بینیم در دولت وفاق، وزرای کابینه بقیه هم را می‌گیرند و علیه هم بیانیه می‌دهند و رئیس دولت از کنترل کابینه ناتوان نشان می‌دهد و حتی وفاق داخلی کابینه به مشکل خورده، چه برسد به وفاق با دیگر ارکان و مهم‌تر از آن وفاق با مردم، به دلیل همین فقدان تئوری و نشانیدن ابزار وفاق به جای نظریه است که حتی به ضرب و زور برگزاری همایش ملی وفاق هم نمی‌توان این ابزار را تبدیل به تئوری کرد و اسفناک‌تر اینکه جناب پزشکیان احتمالا این را یک نقطه ضعف نمی‌داند که با وجود تلاش‌های هفت‌ماهه برخی از دلسوزان برای تشکیل یک تیم تئوریک برای دولت چهاردهم، نه به این تلاش اهمیتی داده و نه خود در پی تشکیل چنین تیمی است و حالا در برخورد با تعارضات و مشکلات، معلوم شده که حتی تیغ آن ابزار وفاق نیز بُرندگی لازم و تصور شده را ندارد.

فرار به جلو روزنامه شرق در حالی است که اولاً آقای پزشکیان نامزد جبهه اصلاحات بوده است و ثانياً اصلاح طلبان با تعبیه «شورای راهبری کابینه» و سپس معاونت راهبردی ریاست جمهوری (با محوریت ظرفیت و برخی عناصر سیاسی و امنیتی جبهه اصلاحات) عملاً در دو حوزه تئوری و عمل و کادرچینی، بر دولت چنبره زده‌اند و حتی مدعیان اصلاحات مانند شکوری‌راد و دیگران، ده‌ها سخنرانی و مقاله در توجیه درستی رویکرد دولت ارائه کرده‌اند. بنابراین سوء مدیریت موجود در دولت، حاصل مشورت‌های غلط و مسموم برخی از همین عناصر سیاسی‌کار است.

ثالثاً اگر رویکرد و عملکرد مدعیان اصلاحات در دوره موسوم به اصلاحات چنان بود که روزنامه شرق ادعا کرده، مردم از آنها منزجر و رویگردان نمی‌شدند. قاطبه مردم در ماجرای استعفا و تحصن نمایندگان مجلس ششم با همراهی برخی وزرا و معاونین وزیر دولت خاتمی، مطلقاً به آنها بی‌اعتنایی کردند چرا که معتقد بودند آنها سرگرم سیاسی‌کاری رادیکال و فرصت‌سوزی و بی‌اعتنایی به مشکلات عمومی و اولویت‌های کشور هستند. همچنین مردم با عبور از نامزدهای اصلاح طلبان در انتخابات سال ۱۳۸۴ (معین، کروبی، مهرعلیزاده و هاشمی) و سال ۱۳۸۸ (موسوی و کروبی)، نشان دادند که از رویکرد و عملکرد این طیف هیچ رضایتی ندارند. جالب این که خود مدعیان اصلاحات نیز در اواخر این دوره، شعار عبور از خاتمی سر می‌دادند و او را اردک فلج و شاه سلطان حسین بی‌عرضه لقب می‌دادند!

رابعاً علت نارضایتی مردم، انحراف گفتمانی دولت خاتمی، و آشفته‌گی ستاد اقتصادی آن بود. فقط چهار سال زمان برد تا طرح ساماندهی اقتصادی روی کاغذ بیاید! پس از آن هم درگیری در داخل دولت ادامه داشت. عملکرد ناهماهنگ دولت خاتمی چنان بحران‌ساز شد که بارها مورد نكوهش اعضا یا

متحدانش قرار گرفت؛ به عنوان نمونه:

- رسول منتجب‌نیا عضو مجمع روحانیون، تیرماه ۱۳۸۰: «مجموعه کابینه آقای خاتمی با طرح ساماندهی اقتصادی هماهنگ نبود. این مدیران به سیاست تعدیل اقتصادی معتقد بودند. دستگاه‌های زیرمجموعه، موجب نابسامانی اقتصادی شدند که امروز بر جامعه حاکم است».

- محمد عطریانفر عضو مرکزیت کارگزاران، ۱۳ بهمن ۱۳۷۹: «قابل قبول نیست که بعد از سه سال و نیم، تازه شاهد بروز اختلاف میان دو نظریه اقتصادی یک کابینه مشترک باشیم. تیم اقتصادی خاتمی آلیاژی و شکننده است و آزمون و خطای زیادی داشته. به خاطر این ناهمگونی، نمی‌توان کاری کرد».

- محمد سلامتی دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب، ۳۰ بهمن ۱۳۷۹: «تیم اقتصادی دولت، تیم متجانسی نبود که بتواند مسائل را به طور هماهنگ پیگیری کند. کسانی که در دولت سابق (سازندگی) تفکر سیاست تعدیل اقتصادی را تعقیب می‌کردند، با بن‌بست مواجه شدند و در دولت خاتمی هم قطعاً ناموفق عمل کردند و برای اقتصاد کشور مشکل ایجاد کردند».

- عیسی کلانتری وزیر کشاورزی، شهریور ۱۳۸۰: «مشکل اصلی در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی است. تا اینها سر کار هستند وضع بهتر از این نمی‌شود. سرمایه‌گذاری کشاورزی با سالانه ۲ درصد کاهش مواجه است. تفکر دولت این نبوده که با رونق کشاورزی به کشور کمک کند. تا آمدیم از کشاورز حمایت کنیم، انبوه محصولات به داخل سرازیر شد».

- عبدالعلی‌زاده وزیر مسکن، ۲۵ تیر ۱۳۸۰: «مدیران دولتی، هیچ ریسکی را قبول نمی‌کنند و اگر کار را خراب کنند، مجازات نمی‌شوند. مدیران بخش خصوصی، با ندانم‌کاری مدیران دولتی، با ورشکستگی روبه‌رو می‌شوند. این سخنان، اعتراف من است» و حسین نمازی وزیر اقتصاد، شهریور ۱۳۸۰ تأکید می‌کرد: «سیاست تعدیل اقتصادی باعث گرانی شد».

ناهماهنگی و تعارض و ناکارآمدی، تا پایان دولت خاتمی ادامه یافت. او پس از هفت سال سردرگمی، در تاریخ ۲ اردیبهشت ۸۳، طهماسب مظاهری و محمد ستاری‌فر (وزیر اقتصاد، و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی) را یکجا برکنار کرد و گفت: «هر دو کمک‌های شایانی را به خصوص در تدوین طرح ساماندهی اقتصادی انجام دادند. اما در تعامل با یکدیگر جرقه‌هایی می‌زدند که باعث ناهماهنگی می‌شد. ما با بررسی‌هایی که انجام دادیم، به منشوری مکتوب رسیدیم که بازهم این دو دستگاه به هر دلیل به یکدیگر چفت نشدند و من توفیق ایجاد تفاهم و هماهنگی را میان آنها نداشتم. یک‌سال و نیم از دولت باقی مانده. در این مدت، کار تازه‌ای را نمی‌توانیم انجام دهیم، تنها در چارچوب برنامه سوم حرکت می‌کنیم و در این مدت هماهنگی در میان اعضای دولت بسیار مهم است».